

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

## بررسی تعیین ابوين ولد تلقیحی

بعد از اینکه احکام صور تلقیح را بیان کردیم، بحث دیگری که هست این است که این بچه که در اثر تلقیح صناعی متولد می شود از نظر ابوين چه حکمی دارد؟

## بررسی تعیین پدر ولد تلقیحی

در آنجایی که تلقیح بین نطفه زوج و تخمک زوجه است، هیچ تردیدی وجود ندارد که پدر او همان کسی است که صاحب نطفه است و مادرش هم صاحب تخمک است و در آنجایی که این زن، نطفه شوهر خود را در رحم خود بریزد، اینجا هم پدر این بچه صاحب نطفه است و مادرش هم صاحب تخمک. به عبارت دیگر، در باب نسب یک حقیقت شرعیه یا یک معنای اصطلاحی شرعی نداریم، بلکه در نسب باید به عرف مراجعه کنیم. از مصادیق واضح عرف همین است که می گوید صاحب نطفه، عنوان والد را دارد و دیگری و رحم و صاحب تخمک، عنوان مادر را دارد. در این صورت بحثی وجود ندارد.

## صورت مورد بحث

آنچه که مورد بحث است این است که اگر نطفه زوج و تخمک زوجه خودش را تلقیح کنند و در رحم زن دیگری بگذارند - می خواهد زوجه دوم مرد باشد یا یک زن اجنبیه باشد - اینجا باید بررسی کنیم که مسئله ابوين چگونه است. و هکذا آنجایی که نطفه، نطفه اجنبی است و آن را در رحم زن اجنبیه قرار دهند.

## بررسی حقیقت شرعیه در باب نسب

در شریعت یک معنای خاص شرعی برای نسب نداریم، فقط در باب ولد الزنا از ولد الزنا نسبت به پدر و مادر او نفی نسب شده است. و همچنین قاعده ای داریم به نام **الولد للفراش**، که در آنجایی که زنی با مردی ارتباط نامشروعی پیدا کرد، بعد در فراش زوج خودش بچه ای از او متولد شد، اینجا شارع گفته است **الولد للفراش** - که توضیح فراش را بیان می کنیم - . اما هیچکدام از اینها - چه باب زنا و چه قاعده **الولد للفراش** - نمی توانیم استفاده کنیم که نسب در شرع یک معنای خاص دارد. بلکه همان

معنای عرفی را دارد؛ که عرف می‌گوید صاحب نطفه عنوان پدر را دارد. در ما نحن فیه که بحث تلقیح مصنوعی است، بحث زنا وجود ندارد، نطفه یک مردی را برداشته‌اند و در رحم یک زن اجنبیه قرار داده‌اند. زنا که نیست تا بگوییم در شریعت از ولد الزنا نفی نسب شده است، البته روی قول مشهور فقها و الا اجماعی نیست. ولد الزنا نیست و صاحب نطفه مشخص است و عرف، صاحب نطفه را پدر می‌داند. قاعده کلی همین است الا در مسئله زنا.

## بررسی تعیین مادر ولد تلقیحی

اما از جهت مادر بحثی وجود دارد که آیا آن کسی که صاحب تخمک است و در خلقت تکوینی این بچه دخیل است، آیا او عنوان مادر را دارد یا مادر یعنی کسی که بچه از او متولد شده است، می‌خواهد تخمک برای زنی که بچه از او متولد شده است باشد یا نباشد.

## فرمایش مرحوم خوئی (ره)

اینجا مقداری بین بزرگان اختلاف نظر وجود دارد؛ کسانی مثل مرحوم آقای خوئی به استناد آیه دوم سوره مجادله «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ». می‌فرماید مادر، کسی است که بچه از او متولد شده است. در این آیه شریفه دارد «إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ»، مادر اینها نیستند مگر کسانی که اینها را بوجود آورده و متولد کرده‌اند. اگر تخمک زن دیگری را در رحم این زن قرار دادند و شوهر این زن با این زن آمیزش کرد و این زن بچه دار شد، چون بچه از این زن متولد شده است این زن مادر این بچه می‌شود. اینجا بیان استدلال را عرض کردیم که آیه به صورت حصر بیان می‌کند، می‌فرماید مادران اینها نیستند مگر زنهایی که اینها را متولد کرده‌اند. پس نتیجه این می‌شود که مادر، کسی است که بچه از او متولد می‌شود.

## نقد فرمایش مرحوم خوئی (ره)

به نظر می‌رسد که استدلال به این آیه شریفه قابل جواب باشد و جوابش هم روشن است. آیه در این مقام است که در زمان جاهلیت مردها به زنهای خود می‌گفتند «ظَهَرَ كَظْهَرِ أُمِّي»، زن خود را به دیده مادر نگاه می‌کردند. در آیه می‌فرماید کسانی که زنهای خود راظهار می‌کنند - در لمعه خواندید که مرد به زنش می‌گوید «ظَهَرَ كَظْهَرِ أُمِّي»، ظَهر به معنای پشت است، یعنی همان طوری که ظَهر اُم برای من حرام است، از حالا به بعد هم تو برای من حکم مادر من را داری و تو هم برای من حرام می‌باشی - ، آیه می‌گوید مادر شما کسی است که شما را متولد کرده است و در مقابل مسئلهظهار است، نه اینکه آیه بخواهد بفرماید که تا قیامت، مادر کسی است که بچه از او متولد می‌شود. و اصلاً در آن زمان راهی غیر از این نبوده و ولادت تنها راهی بوده است که انسان بفهمد این زن مادر بچه است.

## جواب دوم به مرحوم خوئی

و جواب دوم این است که اگر مادری مرد، بچه ای در شکم داشت، این بچه را مادر متولد نکرد و شکم مادر را پاره کردند و بچه را زنده بیرون آوردند، این را مادر دیگر بدنیا نیاورده و ولادت نیست. ولادت خروج از موضع طبیعی است. اگر به لغت هم

مراجعه کنید ولادت را خروج شيء از موضع طبیعی معنا می‌کند. آنجایی که از موضع طبیعی نباشد اگر به عرف بگوییم، عرف می‌گوید بچه این زن است، اما ولادت نیست و معلوم می‌شود ولادت اینجا نقشی ندارد. جواب اصلی جواب اول است که آیه اصلاً در مقام بیان ام و اینکه ام کیست، نیست.

## نتیجه بحث و نظر استاد

نتیجه می‌گیریم که همان که از نظر تکوینی در تکون این بچه دخالت دارد تخمک است و اصلاً نطفه و تخمک زن را بگیرند و در دستگاه بگذارند تا بچه بوجود بیاید. باز هم پدر و مادر مشخص هستند. نکته دیگر در باب دم نفاس است که دم ولادت است و بعضی از آقایان قائلند که اگر زنی را سزارین کردند دم نفاس نیست و دم ولادت نیست و ولادت خروج از موضع طبیعی را می‌گویند. این یک اجمالی بود که دنباله آن را فردا عرض می‌کنم.